

شماره ۶۷ "حقیقت" دوبار پس از چاپ، به علت دخالت های فدا انقلابی افراد کمیته ضبط شده و نتوانست بموقع بخش گردد. بدین وسیله ضمن پیوزش تصدای از مقالات آنرا در اختیار خوانندگان خود قرار می دهیم.

شماره ۱۰ ریال

در این شماره

حقیقت

شماره ۶۷ - ۱۰/۲/۱۳۵۹

- ۱ - مرگ برجنگ افروزان - پیروز با خلق کرد!
- ۲ - ترس مبارزه فدا مپریا لیستی چه آمده؟
- ۳ - مردم علیه مردم!
- ۴ - درباره حوادث خونین دانشگاهها!
- ۵ - سندنگان دهنده ایست، اما برای رئیس جمهور!

## مرگ برجنگ افروزان، پیروز با خلق کرد!

اخبار واصله از کردستان حاکی از آنست که سردمداران مرتجع و وابسته ارتش و محافل جنگ افروز و "شورای انقلاب" و بویژه بنی صدر و بنی ندره شستی، جنگ نابرابر و خونین دیگری را به مردم آزادخواه و مبارزان کردستان تحمیل کرده اند. ارتش، سقز و سنندج را بمباران کرده، از هوا و زمین به آن تاخته است و بسیاری از دهات کردستان زیر آتش توپخانه ارتش قرار گرفته اند. اینان کاری را که در جنگ تحمیلی گذشته نتوانستند انجام دهند، اینبار میخواهند زیر لوای "دفاع از مرزها" و با تکیه مسقیم بر ارتش و جنگ افزارهای آن انجام دهند. "شورای انقلاب" فدا انقلابی یورش گسترده ای را در عرصه های گوناگون بر علیه مردم و دستاوردهای مبارزاتی شان آغاز کرده که حمله ارتش به کردستان، یکی از نمونه های آن میباشد. پاسداری از دستاوردهای مبارزاتی مردم و ادامه انقلاب حکم میکند که این یورش در کلیه ایستادگیها شکسته شود.

اغراق نبخواهد بود اگر بگوئیم که مردم آزادخواه و شریف کردستان، این برچمداران به حق مبارزات مپریا لیستی و دموکراتیک مردم سرتا سرایران، در یکسال گذشته، بیش از هر کسی با خون خود، به پاسداری از دستاوردهای مبارزاتی مردم و مبارزه علیه نیروهای سازشکار و فدا انقلابی لانه کرده در "شورای انقلاب" زاپرداخته اند. چند روز پس از قیام پیروز مندبهمن ۱۳۵۷، در شرایطی که همه مردم، پیروزی بر دربار پهلوی را جشن میگرفتند، سنندج به خون کشیده شد و از آن زمان تا بحال، روز و هفته ای نیست که بر مردم آزادخواه کردستان، رگبار مرگ باریده نشود. خلق دلاور کرد، بهترین و ارزنده ترین فرزندانش را در این راه از دست داده و سرزمین قهرمان پرورش به آتش جنگ سوزانده شده است. و چرا؟ مگر مردم کردستان چه میخواهند که بیاید مستوجب این همه درونج باشند.

"شورای انقلاب" بیشتر مانع به مردم میگردد که کردها تجزیه طلب اند و میخواهند ایران را تجزیه کنند و پس حفظ تمامیت ارضی ایران حکم میکند که این "تجزیه طلبان" به هر قیمت سرکوب شده و حاکمیت دولت مرکزی در آنجا برقرار شود. آنها برپایه این تبلیغات دروغین میکوشند تا مردم ایران را بر علیه خلق کرد بفرانگیزند و به نام مردم، مردم را کشتار کنند. حال آنکه حقیقت جز این است. مردم آزادخواه کردستان که پایبندی مردم سایر مناطق ایران، بر علیه رژیم شاه مبارزه کردند، پس از سرنگونی دربار، در جهت تحکیم و گسترش دستاوردهای مبارزاتی میکوشیدند. دردهات، شهرهای دهقانی برپا شد و در فتنه حاکمان ستمدیده را از فئودالهای سرنگین بگریزند، در شهرها شوراها را برپا شد تا حاکمیت مردم استقرار یابد. اما این حرکت به مذاق فئودالها و برمایه داران خوش نیامد و نیروهای سازشکار و فدا انقلابی نیز در خدمت به همین فئودالها و مرتجعین وارد کار آمدند. به سرکوب خلق کرد پرداختند.

اولین لشکرکشی به کردستان با شکست روبرو شد. ارتش و پاسداران گرچه شهرهای بزرگ کردستان را تصرف کردند و گرچه بسیاری از دهات را زیر آتش توپخانه خود گرفتند، و گرچه بسیاری از رزمندگان و پیشمرگان خلق گرد به شهادت رسیدند، لکن، کردستان شکست نخورد و چون سمندری که از آتش میروید، فریاد حق طلبی و استقامت را از میان مراتع و مزارع سوخته شده، دهات ویران گشته و شهرهای "تسخیر" شده، برخاست و از لوله تفنگ پیشمرگه های کرد، در سرتا سرایران پیچید و در همه جا طنین افکند. در برابر این اراده راسخ، تا نکجا و توپها و جت ها و هلی کوپترها از کار افتادند و خلق کرد چون جنگا و رروئین تنی، همه این زخمهای عمیق را بجان خرید، لکن از پای نیفتاد. خلق کرد بدین ترتیب نخستین یورش گسترده ارتش و پاسداران را در هم شکست و از شرافت و آلمان های به حق خود دفاع کرد.

خلق کرد، امروز با کوله باری غنی تروتجاری گرانبها تربه مقاومت در برابر دومین لشکرکشی به  
کردستان برخاسته و مطمئناً این یورش را چون یورش قبلی درهم خواهد شکست، زیرا مردم کردستان اراده کرده  
اند تا سرنوشت خویش را خود بدست گیرند و چنین اراده‌ای شکست ناپذیر است.

اخبار واصله از کردستان حاکی از آنست که ارتش و پاداران یورشی سخت سیعانه را بر علیه خلق کردند  
با زمان داده‌اند، سقز و سنندج را زیر آتش توپخانه و خمپاره‌ها انداخته گرفته‌اند و با آتش هلی کوبیترها مردم بسی  
سلاح را گروه گروه قتل عام کرده، فاجعه آفریده‌اند. لکن این گشتارها هیچ یک نتوانسته مقاومت مردم کرد  
ستان را درهم بشکنند. مردم با روحیه‌ای بالا و اراده‌راسخ مقاومت میکنند و پیشمرگان قهرمان توانسته‌اند  
شویات محکمی بر ارتش وارد سازند. بسیاری از سربازان ناآگاه‌هی که به بیجا نه جنگ با عراق به کردستان گسیل  
شده‌اند، پس از برخورد با واقعیات، بیدار شده، صفوف ارتش را ترک کرده به مردم پیوسته‌اند و حاضر نشده‌اند  
که ننگ قتل عام مردم را بر خود به بینند.

اما آنچه در باره این لشکرکشی باید گفت، علاوه بر بیجا نه‌های ریاکارانه‌ای که جهت توجیه آن عنوان  
شده است، مسئله توطئه سکوتی است که رسانه‌های گروهی دنیا ل میکنند. اخبار کردستان چون همیشه ساکن  
شده‌اند علام میگردند و آشکارا بر فاجعه‌ای که ارتش و پاداران آفریده‌اند پندیده می پوشانند. این توطئه باید بیجا  
ببارزه و افشاکری متحدهمه نیروهای انقلابی و متری و مردم شکسته شود.

از سوی دیگر ما شاهد فقدان فعالیت همه جانبه و حمایت نیروهای متری و انقلابی و چپ در ساکن  
ایران در ارتباط با جنگ تحمیلی کردستان هستیم و با کمال تاسف حرکت متحدان زمان یافته‌ای جهت حمایت  
سیاسی و مادی و عملی از نبرد کردستان به چشم نمی خورد. ما از همه نیروهای انقلابی و متری و همه مردم  
آزادخواه مصرانه میخواستیم تا هر چه سریعتر این کمبود را برطرف کرده، در هر کجا که هستید، آنجا را به کارزاری  
جهت حمایت از خلق دلاور کرد، که مبارزه‌اش جدا از مبارزات سایر مردم ایران نیست، تبدیل نمایند. ما از  
سربازان و پرسنل آگاه و شرافتمند ارتش میخواستیم تا از رفتن به کردستان خودداری کرده، از طاعت دستوراتی  
که میکوشد آنها را به غافل گشتار مردم تبدیل کند، روی برگردانند. ما از مردم همه شهرها میخواستیم که چنانچه  
ستون‌های ارتشی خیال عبور از آن شهر جهت رفتن به کردستان را دارند، از این انتقالات ممانعت کرده،  
با شکل گوناگون این توطئه‌ها را عقیم گذارند. ما از همه مردم می طلبیم تا به جمع آوری کمک‌های غذایی و  
داروئی جهت یاری رساندن به مردم کردستان بپردازند و ما از دانشجویان پزشکی، اطباء متری و متعهد و  
پرستاران و بهیاران آزادخواه می طلبیم که به یاری مجروحان قهرمان کردبشتا بپردازند. شما همگی در برابر مردم  
کردستان مسئول و مدیون هستید، سکوت جایز نیست.

## بزرگ مبارزه ضد امپریالیستی چه آمده؟ هشدار به نیروهای انقلابی!

هفته گذشته مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران در زیر پرده‌های دودگاز اشک آوروطنین رگبار مسلسل  
های پاسداران و عوامل ارتجاعی باندهای فتنه‌گر " حزب جمهوری اسلامی " ، با دادن چندین قربانی در  
سراسر کشور، گم شد. دارودسته‌های حاکم‌بر " شورای انقلاب " بعد از گذشت چند ماه از مبارزه ضد امپریالیستی  
مردم ایران، بالاخره نفرت عمیق خود از این مبارزه را نشان دادند و با یک شگرد ارتجاعی پیکان مبارزاتی  
مردم علیه امپریالیسم آمریکا را منحرف کردند. و برای اینان هیچ مهم نبوده و نیست که چقدر خون ریخته میشود،  
مهم عملی کردن توطئه بزرگ بود.

چند ماه از اشغال لانه جاسوسی آمریکا و اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران میگذرد.  
اقدام به تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان " مسلمان پیرو خط امام " و اوج گیری مبارزه مردم بگردان، سر  
آغازی بود برای یک تحول اساسی در مسیر تکاملی انقلاب، برای مقابله با انحرافی که در این مسیر بدست ضد  
انقلابیون حاکم‌بر " شورای انقلاب " بوجود آمده بود. بعبارت درست‌تر " شورای انقلاب " به سدی در مقابل  
تکامل انقلاب " که با سازش با امپریالیسم و خاضعیت آمریکا جنایتکارانه تبدیل شده بود. و نه تنها هیچ گامی در  
جهت قطع سلطه همه جانبه آمریکا و امپریالیسم بر نمی داشت بلکه با سران حساس امپریالیسم آمریکا به پای میز  
مذاکره رفته بود و قراردادها و مخفیانه‌سری انعقاد میکرد، برای حفظ و ترمیم نهادهای باقیمانده از نظام  
" طاغوتی " گذشته از هیچ چیزی ابا شداشت، بر ارتش‌های رنگ و قبا‌ی اسلامی پوشانند، با واکیها را تا آنجا  
که نمیتوانست از تیغ عدالت خلق مصون داشت و آخر سر هم از دشان گذارد، از مالکین متوسط و بزرگ در برابر  
دهقانان بی زمین و کم زمین بدفاع برخاست، راه فراری برای سرمایه‌داران ایجاد کرد و وعده‌های مفت همراه با  
گلوله‌نثار کارگران بیکار و شاغل داد و... و بی خود نبود که " شورای انقلاب " کذاشی سخت از در مخالفت با  
تسخیر لانه جاسوسی در آمده و از همان آغاز بین متفاد و توطئه‌فروخته‌گری کرد تا این مبارزه را قطع و تا بود  
نماید. ولیکن تسخیر سفارت و پیا مد‌های آن در برانگیختن توده مردم برای وحدت در مبارزه ضد امپریالیستی  
خاری شد در چشم " شورای انقلاب ". و هر چه این مبارزه تا اوم می یافت، وضعیت " شورای انقلاب " خطرناک

بسیار خروانتظارا ت توده مردم بیشتر و در این زمینه بود که ما هیئت " شورای انقلاب " تا حدود زیادی بعنوان شورای  
انقلاب و سازشکاری در میان تشرهای روزافزونی از مردم رسوخ پیدا کرد. لیکن ما حیوان فتنه گری و توطئه  
همین قدرت حاکم و در راس آنها " شورای انقلاب " کذائی، با ایفای سیاست سازشکارانه و ضد انقلابی در عمل  
و کوشش در جهت انطباق خود با این مبارزه در ظاهر برای بدست گرفتن ابتکار عملی که بتوانند این مبارزه را از  
ریشه بخشکانند، از حدود و شور این مبارزه کاست و کوشید، آنرا به وسیله ای برای کسب قدرت خود تبدیل نماید  
در همین حال با لاینحل جلوه دادن بحران ایران و آمریکا، و مستاصل کردن مردم شورسازاتی را در میان آنان  
نویابانده و سروتقه قضیه را بنفع آمریکا بهم آورد. اگر " شورای انقلاب " نتوانست در برابر مبارزه فدا مپریا  
مستی مردم ایران از جلوه مفا بله بر خیزد، با ریاکاری از پشت خنجر زد. هفته پیش اوج این خیانت را در  
هفته خونین دانشکاها شاهد بودیم.

واقعیت این است که تفسیر سفارت در آبان ماه گذشته که بگردخواست امتداد شاه خائن شکل گرفت،  
با محدودیت های مکتبی و عملی عاملین آن و علیرغم تمامی کارشکنی های دست اندرکاران قدرت حاکم، از  
آنجا نیکه روی نقطه حساسی جا معده و تضاد ملی مردم - مبارزه با سلطه امپریالیسم و بقایای آن - دست گذاشته  
بود و توده مردم هم از این حیث به آن پشتیبانی بی دریغ دادند، به پیش رفت، این مبارزه گاهی اوج گرفت  
و گاه به جاری لیبرالی و تنگ نظرانه خرده بورژوازی نزول کرد. لیکن شور و شوق مبارزاتی و آلت هیات  
انقلابی حاکم بر جوجا معضا منی شد برای پیشرفت گام به گام آن.

در این مبارزه شورا نگیز مردم علیرغم تمامی کمبودها بیش یک دستاورد بزرگ آن این بود که مجرای  
اتحاد و مبارزه و رشد آگاهی توده مردم را نسبت به تضاد ملی جا معده با زکرد. صف دوست و دشمن علیرغم تمامی  
کوششهای ضد انقلابیون حاکم بر " شورای انقلاب " و تنگ نظریهای موجود در رهبری خرده بورژوازی این  
مبارزه، تا حدود زیادی روشن تر شد. دشمن اصلی آمریکا است! این شعاری شد برای ایجاد وحدت در صفوف  
مردم و با وجود تخریکات ارتجاعی باندهای ضد انقلابی مبنی بر چرخاندن پیکان مبارزه فدا مپریا لیستی بر  
علیه نیروهای انقلابی، توده مردم در مجموع تحت لوای این شعارها ن حفظ وحدت در این زمینه، دستاوردی  
مبارزه شد. بسیج سیاسی توده مردم در لزوم مبارزه با آمریکا و درک لزوم حفظ وحدت در این زمینه، دستاوردی  
بزرگ برای این مبارزه شد. خواست ایجاد ارتش ۲۰ میلیونی، آموزش نظامی توده ای با تمامی کمبودهایش،  
ویکسری دستاوردهای عملی کوچک و نیز دستاوردهای سیاسی دیگر، از جمله نتایج این مبارزه شد. لیکن این  
مبارزه در برداشتن گامهای عملی و سیاسی بعدی ناتوانی خود را بلحاظ محدودیت های ناشی از عا ملی و بر-  
انگیزانندگان آن نشان داد. اینک ادا مه این مبارزه چگونه باید باشد، برنامه عملی آن چیست، پایگاه  
های امپریالیسم کیا نند و چگونه از میان برداشته میشوند، در بر خورد به خواسته های بحق کارگران، دهقانان،  
زحمتکشان چه مسایلی را باید حل کرد و بر خورد به ارتش طا غوت زده کنونی چه باید شد و ... در عمل نا روشن  
ماند، و آتیه ای نا روشن نمی تواند توده مردم را متحد نگا هدارد. محدودیت های طبقاتی و مکتبی جریسان  
مبتکر و پیشبرنده این مبارزه نمی توانست این آتیه را روشن و لذا توده مردم را متحد نگا هدارد. علاوه بر این  
" شورای انقلاب " و بنی صدر نیز که هیچ دل خوشی از این مبارزه ندا شتند، تمامی کوششها یشان معطوف به جلو-  
گیری از رشد این مبارزه، منحرف کردن آن و لاینحل و مستاصل نمایاندن آن، و با اخره بسا زش کشیدن آن شد.  
بنی صدر کوشید و کما کان میکوشد که تداوم مبارزه فدا مپریا لیستی را مفا یر با تحکیم مبنای دولت جمهوری سلامی  
جلوه داده و در این میان " دانشجویان مسلمان پیرو خط امام " را تا حدود زیادی خلق صلاح نمود. ولی تنه  
پشتیبانی بی شائبه توده مردم از این عمل انقلابی و نیز حمایت و تبا بعیت خمینی از این احساسات مردم بود  
که پشت گرمی دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی برای تداوم و پیگیری عمل خود نمود.

بخشی از نیروهای انقلابی این مبارزه را نادیده گرفته آنرا بر رسمیت نشنا ختند. و بجای کوشش در  
جهت ارتقاء آن از نظر برنامه مبارزاتی، خود را در مقابل آن قرار داده، خواسته ها و وظایفی را بعنوان  
پیش شرط پشتیبانی خود برای آن قایل شدند که تاریخ مناسبات اجتماعی دوران کنونی از ایشان سلسله  
مسئولیت کرده بود. برخی دیگر نیروها که در آغاز این مبارزه بدفاع از آن، برخاسته بودند، در نیمه راه  
تنها یش گذا شتند و محدودیت های آنرا بهانه ای برای ترک میدان خود جلوه دادند. نیروهای که از آغاز و  
در نیمه راه به دفاع از این مبارزه برخاستند، دفاعشان از محدودیت پشتیبانی مشروط و معنوی پافرا ترنگذاب  
شته، و نیز بلحاظ تنگ نظریها و تعصب های جزمی دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی امکانات هما هنگی فعالیت  
شترک و همسودر سطح محدودی باقی ماند. جای شک نیز نیست که ایجاد تدا هم و نزدیکی میان این جریان مناسبات  
کار بس و دشوار و معینی در چنین شرایط ذهنی مغشوش و گروه گرایانه و تعصب آمیز بود. ولیکن بهر حال میبایست  
بین سدهای باقی مانده از دوران اختناق شکسته میشد. فاصله گیری " دانشجویان مسلمان پیرو خط امام " از  
روهای انقلابی و تنگ کردن عرصه مبارزه فدا مپریا لیستی به موجودیت خودشان، آنهم در مقامی که توان  
تاتی و مکتبی آنرا ندا شتند که چنین کنند. عامل موثر دیگری در این نا هما هنگی و تفرقه در میان نیروها ن

مدافع و حامی این مبارزه بزرگ بود. خلاصه کلام اینست که موافقین و مدافعین مبارزه ضد امپریالیستی اتحاد داشتند و از برنامه عمل واحد پیروی میکردند، و نه مخالفین این مبارزه توانستند اختلافات درونی خود (ناشی از قدرت طلبی های خود) را تا به سرکوب این مبارزه نمایند. نتیجه اینکه این مبارزه بیشتر تا به جزی و مدتا کتیکها و ابتکار عمل امپریالیسم آمریکا و در نهایت به مبارزه ای عکس العملی در برابر امریکای جنایتکار از آب درآمد.

آنچه مسلم بوده و کماکان هست، اینست که فقدان وجود رهبریت طبقه کارگر در مقام رهبری این مبارزه، و باقی ماندن این مبارزه و لاجرم منحرف شدن آن، نمی توانست نتیجه دیگری داشته باشد. زمانیکه میگوئیم نتیجه این مبارزه جز این نمی توانست بشود بدین معنی است که از نیروهای انقلابی و کمونیستهای راستین بخواهیم چشمان خود را باز نکنند و بجای تحلیل های من در آوردی که هیچ ربطی به واقعیت مبارزه ضد امپریالیستی جاری در عرض چند ماه گذشته نداشته است، به وظیفه و رسالتی که خود مدعی اند تاریخ بردوشان نهاده است، عمل نمایند. واقعا که جای سرزنش دارد زمانیکه ما شاهد نیروهای مدعی انقلابی بودن هستیم که بجای پشتیبانی و کوشش برای ارتقاء این مبارزه، از آغاز آنرا تخطئه کرده، صفوف خود را جدا کرده و "مبارزه ضد امپریالیستی"، "مستقل" خود را - و در واقع مستقل از جنبش توده ای مردم را - بر راه می اندازند. عملکرد برخی گروههای مدعی مارکسیسم-لنینیسم، بی شک در تاریخ معاصر ما نمونه منفی بجای گذاشته است که دیگران میبایست آنرا تحمل کرده و تصحیح نمایند. ما برای کنونی همان تکرار کودکانه "چپ نمائی" های سلطه نژاده ها و احسان الله خان ها در دوران کوچک خان است که حیدرها را مجبور به تحمل بار سنگین آن میکنند. همان بوخورد های آن چنانی حزب توده در سالهای ملی شدن صنعت نفت را بیاد می آورده که هنوز تا شیرات ضربه زنده اش پیکر جنبش کمونیستی ما را آزار می دهد و نمی گذارد که این نیروهای فعال و پرتحرک بتوانند نقش تاریخی خود را در انقلاب ما ایفاء نمایند. نمی گذارد که صفوف متحد جنبش کمونیستی بوجود آید تا طبقه کارگر را در رسالت خود واقف و رهبری مبارزه را برای پیشبرد نظر نمودن انقلاب بدست گیرد.

و اکنون ما با ردیگر هشدار می دهیم، که رفقا بخود آید. لحظه را دریا بیدوبه وظیفه ای که اصول خدشه ناپذیر کمونیست بر عهده ما نگذاشته است تن در دهید. و بویژه امروز - روزیکه توطئه های ارتجاعی با نده های حاکم توانسته است شرایط بسیار دشواری را بر ما آورد، روزیکه خون عزیزان ما در خیابانهای سنگسار آزادی جاری شده است، و شرایط خاص کنونی بیش از پیش می طلبد که ما می را که با ندها و محافظان ضد انقلابی "شورای انقلاب" گسترده اند، در آن نیافتیم.



## مردم علیه مردم

۱ - کشور و انقلاب ما دوران حساسی را میگذراند. در شرایطی که مردم ما با اید متحد و یکپارچه بر علیه دشمن اصلی شان، امپریالیسم آمریکا، صف آرایی کنند و توطئه ها و نقشه های شوم این امپریالیسم و ایادی داخلی را درهم شکنند، محافظان و نیروهای سازشکار و ضد انقلابی لانه کرده در "شورای انقلاب" میکوشند تا علیه مردم ما از مبارزه با امپریالیسم آمریکا منحرف کرده، بر علیه نیروهای مترقی و انقلابی و با بهترین گفته با شیم صفوف خود مردم بچرخانند. آنها در واقع میخواهند با یک تیر دو نشان بزنند، از یکسو "نظم و منیت" خاص خود را مستقر گردانند و بخرج سرکوب نیروهای انقلابی موقعیت سیاسی خویش را تحکیم بخشند و از سوی دیگر شرایط را برای عملی کردن سازش با امپریالیسم آمریکا مهیا گردانند. این دو نشان در واقع بیکدیگر نیز مرتبط بوده، اجزاء یک کل سازشکارانه و ضد انقلابی را نمایندگی می نمایند. بدون سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی و خواباندن شور و شوق مبارزاتی و ضد امپریالیستی مردم، سازش با آمریکا کساری بسیار مشکل است و با زبندون سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی و خواباندن شور و شوق مبارزاتی ضد امپریالیسم - لیستی مردم و ایجاد "نظم و منیت" باب طبع "شورای انقلاب" ضد انقلابی ممکن نیست. برقراری "نظم" ضد انقلابی بورژوازی، در عین حال به سازش با امپریالیسم نیز مرتبط بوده، از لحاظ تاریخی خارج از چارچوب آن قابل تصور و اعمال نیست. از اینرو، سازش با امپریالیسم آمریکا و سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی و دستاوردهای انقلابی و مترقی مردم، دوروی یک سکه را تشکیل داده، پایه های هم به پیش میروند.

حوادث ۶ ماه گذشته نشان داده است که از یکسو روند مبارزات ضد امپریالیستی مردم و اتحاد آنها بر علیه امپریالیسم آمریکا، در عمل موقعیت نیروهای سازشکار و ضد انقلابی را تضعیف کرده و در عین حال به رشد و گسترش نیروهای انقلابی و مترقی و همچنین آزادی های سیاسی پا داده است و از سوی دیگر افت مبارزات ضد امپریالیستی مردم، در عمل موقعیت نیروهای سازشکار و ضد انقلابی را تقویت کرده، امکانات پیورش بر علیه نیروهای انقلابی و مترقی و دستاوردهای مبارزاتی آنها را مهیا تر ساخته است.

از اینرو، هماکنون و به طوریکه سازش با آمریکا و سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی برای "شورای انقلاب" ده

ساد  
سود  
بسع  
سای  
رزه  
ثیم  
سن  
سا  
اده  
سای  
سد  
برد  
سه  
ای  
د  
-  
ش  
ر  
-  
ی  
ن  
ا

یک سکه را تشکیل داده، بیکدیگر مرتبط می باشند. مبارزه علیه آمریکا و مبارزه علیه سازشکاری نیز برای مردم ما و انقلاب ما دوروی یک سکه را تشکیل داده، بیکدیگر مربوط می باشند. بدین ترتیب همانطوریکه بیشتر نیز ذکر کرده ایم در مقطع کنونی، مبارزه علیه آمریکا نمیتواند جدا از مبارزه علیه تلاش های سازشجویانه و نیروهای سازشکار روضا انقلابی مسلط بر "شورای انقلاب" به پیش برده شود.

اینها را هم ما خوب میدانیم و هم "شورای انقلاب"، و در نتیجه بی دلیل نیز نیست که "شورای انقلاب" همین اینکه در خفا مشغول زدوبند با امپریالیسم آمریکا است، کارزار وسیعی را علیه نیروهای مترقی و انقلابی و دستاوردهای مبارزاتی مردم ما من زده، علیه مردم ادعاها میثان که "اغتشاش و جنگ داخلی" بیش از همه به سود آمریکا است، خودپای اصلی دامن زدن به جنگ داخلی هستند.

آنها مذاکرات صلح کردستان را برهم زده، زیرلوی "دفاع از مرزها" سر بازان را فریب داده، ارتش را بر علیه مردم کردستان گسیل داشته و جنگ دیگری را به مردم کردستان تحمیل کرده اند. یورش ارتش بر علیه خلق کرد در زمانی است که ملت ما بیش از هر زمان دیگری نیازمند وحدت بر علیه آمریکا است و همچنین تهدیدات رژیم بعثت بی فعال در کردستان همگی برای مبارزه مشترک علیه امپریالیسم آمریکا و همچنین تهدیدات رژیم بعثت عراق اعلام آماده گی کرده اند. آنها زیرلوی "انقلاب فرهنگی اسلامی" برخواست دگرگونی نظام آموزشی مانده از رژیم گذشته سوار شده، آذربایجان و از خونینی علیه نیروهای مترقی و انقلابی و آزادیهای سیاسی تبدیل نموده اند. دست "شورای انقلاب" به خون همه مجروحین و شهیدان دانشگاه آلوده بوده، مسبب همه این خونریزی ها هستند. آنها زیرلوی "بالا بردن تولید" و "برقراری نظم" به کانون های مبارزاتی طبقه کارگر، شوراهای کارگری، حمله برده، خواستار برچیده شدن این کانون های مبارزه ضد امپریالیستی کارگران شده اند. آنها زیرلوی "محکم کردن پشت جبهه"، بر علیه گروه ها و سازمان های انقلابی برخاسته، در شرایطی که نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا کشور ما را تهدید میکنند، خواستار "خلع سلاح" مردم و نیروهای انقلابی شده اند. اگر همه این اقدامات، کوشش "شورای انقلاب" در جهت تضعیف جبهه نبرد ضد امپریالیستی ملت ما و بر علیه این جبهه و ایجاد شکاف در صفوف مبارزات متحد مردم ما بر علیه آمریکا نیست، پس چه عنوانی میتوان بر آنها نهاد.

"شورای انقلاب" در شرایطی دست به همه این اقدامات ضد انقلابی زده است که نه تنها هیچ قدمی در جهت مبارزه ضد امپریالیستی - ضد آمریکائی مردم ما برنداشته، بلکه آشکارا در پی سازش با امپریالیسم آمریکا و حفظ بندهای وابستگی کشور ما به اردوگاه غارتگر امپریالیسم می باشد.

آیا کردستان استقلال و آزادی ایران را تهدید میکند؟ آیا آزادی سیاسی در دانشگاه ها و موجودیست گروه های مترقی دانشجویی خطری برای آزادی و استقلال ایران دارد؟ آیا شوراهای کارگری دشمن آزادی و استقلال ایرانند؟ اگر نیستند، پس "شورای انقلاب" چه دشمنی با آنها دارد؟ حقیقت اینست که این کانون های مبارزاتی، نه برای استقلال و آزادی ایران، بلکه برای سازشکاری "شورای انقلاب" و نظم ضد انقلابی بورژوازی خطرناک هستند و از اینروست که "شورای انقلاب" در صدد از میان برداشتن آنهاست. "شورای انقلاب" خوب میدانند که سلطه بلاسنازع اش در گرو از میان برداشتن این کانون های مبارزاتی و بویژه نهفتن بزرگ ضد امپریالیستی جاری است و در نتیجه از هیچ کوششی در این راه فرو نمیگذارد و با بدانتظار حملاتی بیش از اینها را داشت.

"شورای انقلاب" و کسانی چون بنی صدرویان دبهبشتی، خواهان "نظم و امنیت" هستند، لکن این "نظم و امنیت" را بدون سرکوب کانون های مبارزاتی مردم نمیتوانند تا مین کنند، زیرا نظم و امنیتشان، نظم و امنیتی ضد انقلابی است و پیش برده هدف ضد انقلابی، بالا جبار سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی را الزام آور میسازد. در نتیجه آنها برای استقرار این "نظم و امنیت" بروی یک دوره برخورد های خونین حساب میکنند، برخوردهائی که ما در ترکمن صحرا، کردستان و دانشگاه شاهان بوده ایم. همه این برخوردها را این نیرو - های سازشکار روضا انقلابی به مردم ما تحمیل کرده و میکنند، آنها در تحمیل کردن این جنگ های خونین از تنگ نظری و تعصبات خرده بورژوازی سودجسته، توده خرده بورژوا را بر علیه کارگران، دهقانان، دانشجویان و مردم ملیت های محروم ایران تحریک و تهییج می نمایند و زیرلوی "تکیه بر مردم"، یک جو مسموم و سخت خطرناک را دامن میزنند و میکوشند تا مردم را در برابر مردم قرار دهند. تحریک مردم بر علیه مردم، موضوع مسرود علاقه شخص بنی صدراست و در هر فرصتی آنرا به رخ همگان میکشاند و ضرب العجل پشت ضرب العجل تعیین میکند وقتی میگوئیم، "شورای انقلاب" میکوشد تا در صفوف مردم شکاف اندازد، منظور ما ان اشاره به همین تا کتیک کشیف است.

۲ - در برخورد به این اوضاع و مسائل و ظایف نیروهای کمونیستی، چه و انقلابی چیست؟ قبل از هر چیزی ضروری است تا مبارزه ضد امپریالیستی (ضد آمریکائی) را محکم در دست گرفته، این مبارزه را در انطباق با مبارزه علیه پایگاه های داخلی امپریالیسم (سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ)، هر چه گسترده تر

و تمیق تریه پیش بریم و بدان بعنوان مبارزه مرکزی خویش و همه خلفهای ایران بشتریم. لکن همانطور که پیش تر ذکر کردیم، در مقطع کنونی، مبارزه علیه آمریکا نمیتواند جدا از مبارزه علیه تلاش های سازش جویان نه نیزوهای سازشکار و ضد انقلابی لانه کرده در "شورای انقلاب" به پیش برده شود. در نتیجه بر ما ست که علاوه بر اقیاء ممتد این تلاشهای سازشجویانه و ضد انقلابی، در برابر همه حملاتی که به کانون های مبارزاتی خلق و دستاورد های مبارزات مردم صورت میگیرد مقاومت کرده، این تلاشها و این حملات را به نفع پیشرفت انقلاب خنثی نمائیم. اما همین جا باید با منتهی هوشیاری عمل کنیم و از افتادن در دامی که بورژوازی گسترده است خود - داری نمائیم. بورژوازی میخواهد اذهان را از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا منحرف ساخته بر علیه نیروهای مترقی و انقلابی بچرخاند و بهمین دلیل مشتاق آنست تا بر خوردهائی را بهما تحمیل گرداند و مردم را بر علیه نیروهای مترقی و انقلابی بشوراند. در نتیجه ضروری است تا در تاکتیک برخورد به این وقایع منتهی هوشیا - ری و بویژه توجه به اوضاع عمومی کشور و سطح آگاهی مردم و آماده گی نیروهای مترقی و انقلابی بکار گرفته شود و به هیچ گرفتار دنیالهدروی و اتخا ذروش های عکس العملی نگردیم. باید در اتخا ذروش های مقاومت در برابر این تهاجمات اوضاع عمومی جامعه و ضرورت مبارزه متحدانه ملت بر علیه امپریالیسم در نظر گرفته شود و هدف هر عملی، برگردانیدن این توطئه های "شورای انقلاب" بسوی همین نیروهای سازشکار و ضد انقلابی - و امپریالیسم باشد. کلیه اعمالی که جز این هدف منظور دیگری را دنبال نماید، در شرایط کنونی بمعنای افتادن در همان دامی است که این بورژوازی برایمان پهن کرده. باید این توطئه های شوم را خنثی ساخت و ما هیت این نیروها را در برابر توده های وسیع مردم بر ملا نمود.

گفتیم که اوضاع کشور و انقلاب ما سخت حساس است. هدف بورژوازی و نیروهای سازشکار و ضد انقلابی لانه کرده در "شورای انقلاب" روشن است و آنها جز با فکریدن جاده برای بازگشت سلطه ارتجاع و امپریالیسم، کاری انجام نمیدهند و امروز در چنین مسیری حرکت می نمایند. از خرده بورژوازی نیز با طرما هیت و محدودیت های طبقاتی اش نمیتوان انتظار آرد داشت که با در نظر گرفتن اوضاع عمومی کشور و انقلاب، برخورد و روش درستی را در پیش گیرد و با زیچه تحریکات بورژوازی نگردد. این تنها طبقه کارگر و نیروهای جنبش کمونیستی ما هستند که با ییدبا هوشیاری کامل به این اوضاع حساس برخورد کرده، سیاست و روش درستی را در پیش گیرند و بکوشند تا آنها نیز تا حد عکس العمل های خرده بورژوازی تنزل نمایند.

## درباره حوادث خونین دانشگاهها!

دانشگاهها هفته خونینی را پشت سر گذاشتند. دستجات چماق بدست و قمه کش معلوم الحال تحت فرمان - دهی " حزب جمهوری اسلامی " در تهران، رشت، اهواز، تبریز، زاهدان، مشهد و... به دانشگاهها هجوم برده موجبات برخورد ها و زد و خوردهای خونینی را فراهم آوردند که محصولش دهها شهید و چند هزار زخمی و تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی کشور بود. امروز دردمیقی بر دل بخش وسیعی از دانشجویان و خانوادهها یشسان سنگینی میکنند. صف های متحدی که علیه دشمنان بزرگ ملت ما، امپریالیسم توطئه گرو عمالش شعار میدادند بهم میریزد. دستهای نابکاری دوباره بکار می افتد تا با ایجا د این قبیل برخوردها و ایجا د جو ضد چپ و ضد نیروهای انقلابی و مترقی، توجه توده مردم را از معضلات اساسی انقلاب خود، که بدست دولتمداران کشور بشیوه ای "مد - برانه" ماستمالی و کنار زده میشود، منحرف سازند و بر علیه دستا وردهای مبارزاتی مردم ما بچرخانند. ریشه حوادث خونین دانشگاهها را در کجا باید جستجو کرد؟ در ظا هر چنین و نمود میشود که میخواسته اند در دانشگاهها و نظام آموزشی مانده از رژیم گذشته، به یک " انقلاب فرهنگی - اسلامی " دست زنند و نیروهای چپ و انقلابی " مخالف " این " انقلاب " بوده، در برابر آن برخاسته اند و در نتیجه به منظور تحقق این " انقلاب " و همچنین برقراری " حاکمیت دولت "، این مقاومتها و ستادهای مرکزی این " توطئه چینی " ها، بدست مردم بر چیده شده اند و بدین ترتیب " انقلاب " بزرگی در صحنه دانشگاهها رخ داده است. این تصویری است که نیروهای حاکم بر " شورای انقلاب " میکوشند با تزویر و بکارگیری ارائه دهند و دستهای خود را از خون دهها شهید و چند هزار مجروح این حوادث بشویند و مسئولیت این وقایع را برگردن نیروهای اندازنده در پاسداری از دستا وردهای مبارزاتی مردم و جنبش دانشجویی ایران، پایمردی کرده و مقاومت نموده اند. لکن برخلاف این تصویر رستا پادروغ " شورای انقلاب "، ریشه این حوادث خونین و یورش به دانش - گاهها را با یید در جای دیگری و در خارج از دانشگاه جستجو نمود.

حقیقت اینست، از اواخر سال گذشته، سیاست مشخص و معینی زیر عنوان ایجاد " نظم و امنیت " از جا - نوب " شورای انقلاب " و شخص رئیس جمهور عنوان میگردد که هدفی مگر استقرار یک نظم ضد انقلابی بورژوازی و سازش با امپریالیسم آمریکا ندارد. این سیاست که نام دیگر آن " استقرار حاکمیت دولت " است در درجه اول متوجه نیروهای انقلابی و مترقی و دستا وردهای مبارزاتی مردم بوده، بر این اساس میخواهد به پای ایجاد " نظم و امنیت " برود. این سیاست، بیانگر این واقعیت است که دولت و " شورای انقلاب " در طول تمام

این دوران نتوانسته است سلطه خود را بر کل جامعه حاکم کرده و خود را تثبیت نماید و کانون های متمسک  
مبارزاتی مردم، از کارخانه ها گرفته تا روستاها و از کردستان گرفته تا ترکمن صحرا و از دانشگاهها گرفته تا  
بازارهای گسترده امپریالیستی مردم برابر استوار این حاکمیت، که تحقیقی مبنایی جز خوا یا بیست  
بازارهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم و سازش با آمریکا را نداند، مقاومت می نمایند. از سوی دیگر  
همین سیاست، نشان میدهد که محافل حاکم نه تنها نتوانسته اند سلطه خود را بر کل جامعه برقرار سازند، بلکه  
در فروپاشی نیز کاشکش بر سر قدرت سیاسی شدت وجود داشته، هرچنان که زیر عنوان "استقرار حاکمیت دولت"  
در واقع تبدیل استقرار حاکمیت خود بر کل جامعه و قدرت سیاسی میباشد. اشاره به این جنبه از آن جهت میباشد  
است که پیشتر در این سیاست مرکزی "شورای انقلاب" و دولت، همواره آشفته به کاشکشها و زدوبندهای درونی  
همین محافل نیز بوده و در جریان امر هر جناح میخواهد، این "نظم و امنیت" و "حاکمیت" را بسود خود تمسک  
کند و در نتیجه گاه در برابر یکدیگر نیز قرار میگیرند و در وقایع خونین دانشگاهها این جنبه نیز خود را نشان  
"شورای انقلاب" بمنظور جامعه عمل پوشاندن به این سیاست عمومی و ضد انقلابی، کانونهای مبارز  
مبارزاتی دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم را در عرصه های گوناگون نشان داده، برچیدن آنها را در نظر دارد.  
از این رو، یورش مجدد ارتش به کردستان، خلع سلاح نیروهای انقلابی، برچیدن شوراهای کارگری، حمله  
به آزادیهای سیاسی و... در دستور کار قرار میگیرد و برای هر یک نیز بهانه های پیدا میکنند. رویارویی با  
رژیم فاشیستی عراق بهانه ای میشود تا زیر عنوان "دفاع از سرزها" به کردستان حمله کنند، انقلاب فرهنگی  
اسلامی "بهانه ای میشود تا زیر عنوان "پاکسازی" دانشگاهها به دانشگاهها و دستاوردهای سیاسی جنبش  
نشجویی مایوروش برده شود، مقابله با محاربه ای امپریالیسم آمریکا و "تولید بیشتر"، بهانه ای  
میگردد تا به جنبش کارگری و شوراهای کارگری دست اندازی صورت گیرد. اینها همه حلقه های از یک زنجیر  
و احداثده "شورای انقلاب" میخواهد بسوی له آن انقلاب ما را خفه کند.

هدف از یورش به دانشگاهها، به هیچ رو "انقلاب فرهنگی" و دگرگونی نظام آموزشی نبوده است،  
زیرا همین "شورای انقلاب" در تمام یکسال گذشته در برابر دگرگونی این نظام آموزشی مقاومت کرده، در  
دوران بازرگان، زیر عنوان "سیاست گام به گام" و در دوران بنی صدر زیر عنوان "تولید فکری" از این  
دگرگونی بنیادی جلوگیری نموده است. کسانی که ساواکیها را آزاد کرده، از افشاء نام آنها خودداری میکنند  
و به پیگرد کسانی که بدین کار اقدام ورزیده اند می پردازند، کسانی که فرماندهان آمریکائی ارتش را بکسار  
می گمارند، کسانی که با امپریالیسم آمریکا زدوبند میکنند، این چنین کسانی معلوم است که نمیخواهند در  
هیچ زمینه ای به یک دگرگونی اساسی دست زنند. هدف از یورش به دانشگاهها، برچیدن این کانون مبارزاتی  
فدا امپریالیستی و دموکراتیک دانشجویان و مردم ایران بوده، از همین رو تعطیل دفاتر و ستادهای سازمانهای  
دانشجویی مترقی و انقلابی بعنوان هدف مرکزی "شورای انقلاب" بوده است. آنها از تعطیل این دفاتر  
نیز یک هدف بیشتر نداشته اند و آنهم گرفتن عنصر مبارزاتی از دانشگاهها و برچیدن این کانون مبارزاتی می  
باشد.

اما این برنامه، در شرایطی خاص و با دربرگرفتن ویژگیهای صورت گرفت که بدون برر آنها نمی  
توان به یک تصویر همه جانبه ای از این وقایع خونین دست یافت. گفتیم که ریشه این وقایع را باید در خارج  
از دانشگاهها و در "شورای انقلاب" جستجو کرد، اما این بدین معنی نیست که این وقایع عاملی هم در درون دا  
نشگاهها نداشته است. "شورای انقلاب" بمنظور جامعه عمل پوشاندن به این توطئه شوم محتاج یک دستاویز و  
بهانه بود و این دستاویز و بهانه زیر عنوان "انقلاب فرهنگی - اسلامی" و بنام انجمن های اسلامی دانشجویان  
صورت گرفت.

دانشجویان بعنوان حساس ترین بخش روشنفکران و جامعه، منعکس کننده تمام ایالات سیاسی و گروه بندی  
های سیاسی - طبقاتی موجود در کل جامعه اند و از این رو مبارزه ای که در سطح جامعه موجود است انعکاس خود را در  
درون دانشگاهها نیز مینماید. در درون دانشگاهها، مدت ها است که گروه بندی های مختلف دانشجویی بوجود آمده و  
فعالیت می نمایند. یکی از این گروه بندی ها جریان انجمن های اسلامی دانشجویان میباشد که سواى انجمن  
های دانشجویان مسلمان ( طرفدار مجاهدین خلق ) فعالیت می نمایند. انجمن های اسلامی، در برگیرنده  
طبقه ای از جریان های مختلف اسلامی، از طرفداران حزب جمهوری اسلامی ( شاخه دانشجویی ) گرفته تا نیروهای  
دانشجویی نزدیک به " دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ". از این رو این انجمنها، یک جریان واحد را  
تشکیل نداده و بلکه طبقه ای از جریان های مختلف هستند. از مدت ها قبل در محافل این انجمنها، بحثی پیرامون  
ضرورت یک انقلاب فرهنگی - اسلامی در نظام آموزشی مانده از رژیم گذشته وجود داشته است. پاره ای از نیروها  
شرکت کننده در این انجمنها، از "انقلاب" فوق، هدف آرمانجویانه را آغشته به تعصبات مذهبی دنبال  
کرده و خواهان یک دگرگونی در این جهت بوده اند، لکن جریان های زیر نفوذ " حزب جمهوری اسلامی " که تا بسوی  
ستاد حرکت انحصار طلبانه این حزب و سیاست های عمومی " شورای انقلاب " از این " انقلاب " هدفشان

خارج ساختن دانشگاهها از دست نیروهای چپ و مترقی ( مذهبی و غیرمذهبی ) بوده ، در انطباق با سیاست عمومی " شورای انقلاب " و حزب جمهوری اسلامی حرکت می ورزند . حرکتی که این دانشجویان کردند ، در نتیجه آمیخته ای بود از یک تمایل آرمانجویانه و آغشته به تعصبات مذهبی ، با حرکت نیروهای وابسته به " حزب جمهوری اسلامی " که همان اهداف ضد انقلابی این حزب را دنبال مینمودند . از اینرو بمحض وقوع رویدادهای خونین دانشگاهها و عمده شدن ضدیت با گروه های سیاسی دانشجویی ، در میان این انجمن ها نیز شکاف افتاده ، تمایلات گوناگون سمت و سوهای مختلفی میگیرند و بسیاری از آنها در عمل خود را کناره میکشند و حتی در برابر " شورای انقلاب " موضع اتخاذ مینمایند . " شورای انقلاب " این حرکت را بهانه اجرای برنامه های ضد انقلابی خویش میگرداند .

آن دسته از دانشجویان مسلمانی که به خیال ایجا دگرچه برای اصطلاح دادن زدن بیک " انقلاب فرسنگی " و " مکتبی " از اسفند ماه گذشته تا کنون بدنبال زمان مناسب می گشتند ، اکنون با پید بخود آینسند و بفهمند که دود این نوع آرمانجویی های آلوده به تعصب تنها به چشم خودشان می رود . آنها در جدائی از دیگر گروه های دانشجویی و با ایجا دمناسبات خصمانه با آنها کاری ننشوانند پیش برد و با زیچه دست کسانی خواهند شد که مفا زله شان با ایشان بخاطر اغراض دیگریست .

از سوی دیگر ، برنامه های عمومی " شورای انقلاب " خارج از تفادهای موجود در میان نیروهای شرکت کننده در این " شورا " ، تفا دمیان حزب جمهوری اسلامی با تدبیهستی - رفسنجانی - آیت ، با بنی صدر و شرکاء ، به پیش نرفته ، این تفا دها را نیز در خود نشان میدهد . در حالیکه " حزب جمهوری اسلامی " و نیروهای منتسب به وی ، خواستار تعطیل دانشگاه و در اساس تعطیل تفا ترسا زمانهای چپ و دموکراتیک انقلابی بودند ، بنی صدر در این میان خواسته تعطیل تفا تر همه گروهها ( منجمله انجمن های دانشجویان اسلامی ) را به پیش گذاشته ، این کار را به کارزار تصفیه حساب با رقبای درون " شورای انقلاب " نیز می نماید و بدین ترتیب همه این نیروها نشان میدهند که چگونه همه چیز را در خدمت بازی ها و رقابت های کثیف سیاسی خود نیز در آورده ، بر نعش شهیدان ما ، بر سر قدرت و سهم هر کدا نشان در این قدرت چانه میزنند .

آقای بنی صدر میگوید کمونیسم مکتب " امانت زور " است و ظاهرا ایشان با " امانت زور " مخالفند ! جامعه دانشگاه نشان داد که معنای مخالفت ایشان با " امانت زور " کذائی نیست . معلوم شد مکتب واقعی خود ایشان چیست . مکتبی که دهها کشته و هزاران زخمی هم بر خاک افتند و فراست کثیف ترین بازیهای سیاسی را بر احثی توجیه کند ، مکتبی که بی نام دفاع از مرزها در کردستان جامعه میا فرسند و بردوش فرما ندها ن بدسا بقه ارتش تکیه میکند ، مکتبی که به بهانه مقابله با محاصره قتلگادی کارگران را به فرما نبری بی چون و چرا را از سر ما به داران فرامیخواند و برای درهم کوبیدن شورا های آنها نقشه می چیند .

اهالی این کشور با پید جدای مطالبه کننده که مسئول این حوادث شوم و کشتارها چه کسانی اند ؟ باید نقاب از چهره آن مدافعان دروغین انقلاب که دستا ورد خون دهها هزار شهید این ملت را ملعبه امیال ضد انقلابی خود کرده اند ، پاره کرد و آنها را رسوا ساخت . در اینجا سرنوشت یک انقلاب در میان است . سرنوشت انقلابی که از هر سو انواع توطئه ها و خطرات آنرا تهدید میکند .

دانشجویان آزادیخواه دانشگاهها و مدارس عالی کشور ، در برابر این یورش ضد انقلابی " شورای انقلاب " و چماق بدستان " حزب جمهوری اسلامی " قهرمانانه مقاومت کردند و ما برای این مقاومت و پایداری درود می فرستیم و با شهیدان این حوادث خونین را گرامی میداریم .

ما به همه دانشجویان از جمله دانشجویان مسلمان هشدار میدهم که با واقع بینی بیشتری به مسائل جامعه خود نگریسته ، از تفرقه و تفرقه اندازان و سازشکاران و نیروهای ضد انقلابی بهره نزنند و برای مبارزه مشترک علیه امپریالیسم ، علیه سازشکاری و برای پیشبرد انقلاب خود در عرصه های مختلف جامعه متحد شوند . تاریخ این فجایی را که با مسئولیت مستقیم مقامات حاکمه این کشور در دانشگاههای ایران روی داده محکوم میکند و موقع با زخواست نیز دیر با زود فرا خواهد رسید .

## سند تکانه دهنده است ، اما برای رئیس جمهور!

اخیرا آقای بنی صدر ، رئیس جمهور " سند توطئه آمریکا برای سقوط دولت ایران " را فاش ساخت و سعی نمود که بهره برداریهای ضد انقلابی خاص خود را از آن بنماید .

سندی که آقای بنی صدر با آب و تاب آن را بمیان کشیده است چیز تازه ای را به معلومات انقلابیون و ملت ایران نمی افزاید . نیروهای انقلابی احتیاجی به سند رسمی ندارند تا بفهمند که امپریالیسم خونخوار آمریکا بر علیه انقلاب ایران مشغول توطئه چینی است ، احتیاجی به سند رسمی ندارند تا بفهمند امپریالیسم آمریکا از تفا دها و اختلافات درون خلقی کما ل بهره برداری را میکند ، احتیاجی به سند رسمی ندارند تا بفهمند که امپریالیسم آمریکا از اغتشاشات داخلی در جهت مقاصد سوم ضد انقلابی خود بیشترین استفاده را میکند . . . .



اتفاقاً در طول یکسال و چند ماه گذشته بین نیروهای انقلابی بودند که مرتباً فریاد میزدند که امپریالیسم آمریکا را دریا بیدوبیکان اصلی و بار بار بداند و متوجه گرداند ولی کسی از بقدرت رسیدگان شوین گوشش با این حرفها بدهکار نشود. اتفاقاً کسی که بیدار دیدن این سندیکه بخورد نه نیروهای انقلابی، بلکه امثال جناب بنی صدر هستند که چگونه به جا ده مارکن های کودتای امپریالیستی بدل شده اند. آیا ما آنها هم بیجا میزنیم یا نه برای این گفته خود دلیل هم داد؟ کسی مسأله را بشکافیم:

سند چه میگوید؟ سنداً ظریف بیدار رده که میبایستی یک برنامۀ هماهنگ و همه جانبه برای "نفوذ کردن در سبب تحولات ایران" به پیش برده، و از همه امکانات برای اینگونه "نفوذ کردن" بهره برداری به عمل آید: از "سوء ظن و عدم اعتمادی که بین ایران و همسایگانش وجود دارد" تا استفاده از "اقلیتهای نژادی و مذهبی" "گروههای افراطی" و... اخبارت دیگر امپریالیسم آمریکا میخواهد همه تضادهای که انقلاب ایران در پیرو و بیرون با آن روبروست را بخشد تا مسأله مرکزی انقلاب، یعنی جهت گیری بیکان نبرد علیه آمریکا، مخدوش گشته و شرا موش گردد. وجهی آگاهانه یا نا آگاهانه روی این خط حرکت کرده است؟ چه کسی بجای پاسخگوشی خواسته های محقانه خلق و ملیتینهای تحت ستم ایران بیروی آنها بمب ریخته و هم اکنون نیز در کردستان بگشت مشغول است، چه کسی عین یک هفته قبل توطئه حمله ببدانشگاهها را طرح ریزی کرد و کشتار دردناکها، اسیر سنگرزادی، برآهناخت؟... جناب بنی صدر فقط بخاطر یک جمله و آنهم اینکه در این سند گفته شده است که باید با "گروههای افراطی که قادرند مقاومت مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند، تماسهایی برقرار سازند" بل گرفته و زور آنه میخواهد گروههای انقلابی را به آمریکا بچسباند!! اولاً، از همه اسنادی که از جا سوخته امپریالیسم آمریکا بدست آمد (و با احتمال قوی این سند هم از همانجا است) حتی یک سند هم رونشده است که گروه های انقلابی (مذهبی و کمونیست) با آمریکا تماس داشته اند، اگر این چنین سندی موجود بود امروز در تیراژ میلیونی بدرود دیوارها چسبیده بود. بالعکس تاکنون هر سندی که افشا شده است مربوط به کسانی بوده است که اتفاقاً روابط نزدیکی هم با همین حکومت اسلامی داشته اند. آقای مقدم مراغه ای، عضو مجلس خبرگان؛ آقای میناچی، وزیر ارشاد ملی که بدستور بنی صدر آزاد شد؛ آقای امیرانتظام، سخنگوی دولت موقت اسلامی؛ دریا دارمدنی، استاندار خوزستان، فرمانده نیروی دریائی جمهوری اسلامی، کاندیدای ریاست جمهوری و نماینده مجلس شورای اسلامی از کرمان؛ دریا دارعلوی، فرمانده نیروی دریائی جمهوری اسلامی و... جناب بنی صدر بهتر است با طرف خود نظری بیفکند تا دریا بدار کدما مین سوانقلاب ایران در خطر است! جناب بنی صدر از کل سند فقط دست روی یک جمله ای گذاشته است که فعلاً در خدمت اهداف ضدانقلابی ایشان است. اجازه دهید ما نکات دیگر سند را نیز بخاطر ایشان بیاوریم: "رئیس جمهور هم چنین تاکید کرد که با توجه به قابل پیش بینی نبودن حوادث و تحولات آینده در ایران، الزاماً مهم است که (آمریکا) با تمامی رهبران سازمانها و گرایشهای سیاسی بدون استثناء... تماسهایی برقرار نماید" (نه آنطور که سند ترجمه شده است "برقرار نمود") نکته این نیست که آمریکا دلش میخواهد با همه سازمانها و گرایشهای سیاسی تماس برقرار نماید، نکته آنجاست که چه گرایشهای سیاسی و سازمانهای به آمریکا روی خوش نشان دادند! آقای مقدم مراغه ای معرف کدام گرایش سیاسی بود؟ جناب امیرانتظام عضو مرکزیت کدام مین جریان بود؟ دریا دارمدنی و دریا دارعلوی برراس کدام ارگانها بودند؟ می بینید آن کسانی که به آمریکا روی خوش نشان دادند نه سازمانهای انقلابی، بلکه جریانهای ضدانقلابی، مرتجع و لیبرال درون جامعه بودند که با در دولت جا و مقامی داشتند و یا در نزدیکی دولت می- بلیکندند! باز هم میگوئیم جناب بنی صدر بهتر است با طرف خود نظری بیفکند تا ببیند چه کسانی در دام توطئه های آمریکا و یا هم دست امپریالیسم آمریکا هستند.

سند نکته دیگری هم دارد: "اما بهر حال با در نظر گرفتن طبیعت بسیار ظریف این نوع عملیات، رئیس جمهور با برقراری هرگونه تماسی با رهبران مذهبی و یا سیاسی گروه خمینی و یا پوزیسیون (مخالفین) و فرماندهان عالیرتبه بدون مشورت قبلی با رئیس سیا مخالف است" مسأله خیلی روشن گفته شده است: همه عملیات تماس گیری با عوامل و طرفداران و همکاران آمریکا در اطراف آیت اله خمینی، یا در صف مخالفین وی و یا فرماندهان عالیرتبه بخاطر "طبیعت ظریف آن" باید تحت نظر مستقیم رئیس سیا باشد. در اینجا چند سؤال موجود است: ۱- این عملیات تماس گیری به چه منظور است؟ ۲- همه این تماس گیریها، استفاده از اغتشاشات، استفاده از تضادهای درونی انقلاب ایران برای تقویت کدام ارگان است؟ جواب سؤال اول بسیار روشن است، همه این عملیات و این خرابکاریها برای نابودی انقلاب ایران میباشد که به شکل کودتای امپریالیستی خود را ظاهر میسازد! ولی سؤال دوم به سؤال اول ربط مشخص دارد، کدام ارگان میخواهد برای امپریالیسم آمریکا کودتا کند؟ در اینجا سندیک نکته مهم کم دارد و آنهم اینست که این ارگان را مشخص نکرده و آن نکته ای است که جناب بنی صدر قاطعانه در گوش نیست و ما توضیحش میدهیم: ارگانش، ارگان اصلی کودتاگری است:

بغض

امپریالیسم آمریکا میخواهد در ایران کودتا کند. اما برای انجام کودتای موفق از جانب امپریالیست‌ها اولاً شرایط مشخصی باید پدید آید و ثانیاً ارگانی موجود باشد که حرکت را به سرانجام برسانند. امپریالیسم آمریکا برای ایجاد شرایط کودتا از جنگ‌های داخلی، اغتشاشات درونی، از مسائلی چون مناقشات ایران و عراق و... سود میجوید. انقلاب را از درون سست می‌کند بجای آنکه صفوف انقلاب متحداً بر علیه مسائل اناسی و تضادهای اساسی بسیج شوند، به مسایل فرعی کشیده شود و از هم گسیخته و پراکنده شوند. همه این درگیریها توده مردم را خسته کرده و به انفعال سوق میدهد و این امر خطرناکترین مسأله برای انقلاب است. فدا انقلابیون و نیروهای ارتجاعی در این زمان دست بکار میشوند و خواستار ایجاد "نظم و امنیت" می‌گردند! این شرایط بوجود آمدن و اجرای موفقیت آمیز یک کودتای امپریالیسم است. کافی است کنگره‌ها به تجربه‌های قبلی بینند از سیاست‌ها و توطئه‌های امپریالیستی آشنا شود! ولی امپریالیسم در طی این دوران ارگان اصلی کودتاگری خود را تقویت میکند. شرایط کودتا بطور خودجودی مسأله برای کودتا نیست، برای کودتا احتیاج به یک نیروی متشکل ارتجاعی هست تا آخرین ضربه را بزند. این نیروی متشکل ارتجاعی... امپریالیستی در ایران کجاست؟ این نیروی متشکل از با زماندن ساواک شروع می‌شوند که به یمن سازشکاریهای فدا انقلابی دولت و "شورای انقلاب" دسته دسته آزاد میگردند و گروه گروه به خدمت فراخوانده میشوند و به مهم‌ترین پایگاه امپریالیسم یعنی ارتش ختم میشود. در تمام این توطئه‌ها، امپریالیسم کوشش میکند تا ارتش را تقویت کرده و آن را بمثابه تنها عامل "نظم و امنیت" برج مردم بکشد. عوامل اصلی کودتا در ارتش مستقر شده اند و جناب بنی صدر نیز بما نندست می‌همیای رانش در دولت به تقویت این ارگان ارتجاعی پرداخته است.

آیا ما بدون دلیل و مدرک می‌گوئیم ارتش ارگان اصلی کودتاگری است؟ آیا در یادار علوی و در یادار مدنی که کوس رسوائی شان و سرپرستی شان به آمریکا بر سرگوجه و برزن زده شده است فکری بغیر از کودتا در موقع مناسب در مغز شان بود؟ آیا توطئه کودتا با رها و بیارها کشف نشده است و دولت به ملت اطلاع نداده است؟ خوبست به سندی زیر توجه کنید: ( سندتکان دهنده - حقیقت ۵۲ - کشف توطئه کودتا و ترور ما - پرسنل مسلمان نیروی هوایی ۵۸/۱۰/۲ ) می بینید که ارتش ارگان کودتاگری است و درست بهمین دلیل هم می‌گوئیم که جناب بنی صدر و شرکایش در قدرت عملاً به تقویت این سیستم ارتجاعی دست می‌زنند و از ملت هم میخواهند که چنان نشان را بچندند و با ارتش این مارد را ستین دوستی کنند.

خوبست سندی دیگری در مورد نقش ارتش به اطلاع همه برسانیم: در اطلاعیه افشاگری شماره ۵ دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که در کتابی بنام "افشای امپریالیسم" درج شده است، سندی بجا پرسیده که در آن روز - یابی های امپریالیسم آمریکا از "سپاه پاسداران" و اهداف آن موجود است. سند دوسمین هدف سپاه پاسداران را این چنین ذکر میکند: "بعنوان نیروی بموازات ارتش عمل کرده تا اینکه از نظر نیرو و هم سطح شده، بتواند از هر کوشش کودتاگرانه از طرف آنها جلوگیری بعمل آورد" (ص ۴۰ کتاب) ( لازم به توضیح است که این جمله در کتاب بصورت دیگری ترجمه شده و بجای "هر کوشش کودتاگرانه"، آورده شده است: "هر نوع انحراف در میان ارتش" !! )

می بینید امپریالیسم آمریکا بروشنی وظیفه ارتش را کودتا میدانند. حال آن کسانی با پیدایش آنها باشند که در دست فرماندهان شاه پرست ارتش گذاشته اند و آنها را تقویت میکنند، بجای آنکه به مردم هشدار دهند. گفتیم این سندی که از طرف جناب بنی صدر افشاء شده، یک نکته کم دارد، آنهم این که کودتاگرانی را در پسرده گذاشته است، با رجوع به اسناد و تجربیات کودتا های ایران زمان دکتر مصدق، شیخی آئنده، اندونزی سوکارنو و... میتوانید این کودتاگران اصلی را بشناسید. اسم این کودتاگرانی اصلی ارتش است!

چه کسی در مقابل کسودت می تواند مقابله کند؟

در مقابل کوششهای کودتاگران امپریالیسم آمریکا، فقط یک خلق انقلابی و صلح و متحدگه آماده دفع هرگونه توطئه امپریالیستی است میتوانند مقاومت کنند و بس! این دولت که در پی خلع سلاح مردم است، این دولت که در پی خواباندن شور انقلابی توده های مردم است، این دولت که در پی تفرقه در صفوف مردم است و هر روز برای انجام این امر توطئه می‌چیند... قادر نیست در مقابل کودتای امپریالیستی مقاومت کند. رهنمودهای جناب بنی صدر در کتاب افشای سند دقیقاً خلع سلاح مردم در مقابل کودتا است: "بر مردم واجب است در این اوضاع و احوال مراقب حفظ نظم باشند و بخصوص خیا با آنها را تخلیه کنند و هیچگونه عملی که نظم را مختل سازد به عمل نیاورند" (انقلاب اسلامی - اردیبهشت) جناب بنی صدر از یک سو به مردم می‌گوید آمریکا می‌خواهد کودتا کند و از سوی دیگر به آنها می‌گوید بروید خانه‌ها بمان!؟! عجیب نیست بجای آماده ساختن مردم برای مقابله با کودتا، پرستان آنها به آنها رهنمود داده می‌شود!

خلاصه کنیم، "شورای انقلاب"، دولت و رئیس جمهور همگی در عرصه سیاست ویرانها عمارت‌ها را جاده صاف کن امپریالیسم هستند، به تقویت ارگان اصلی کودتاگری یعنی ارتش پرداخته اند و عوامل امپریالیسم چنانچه مزدوران ساواک، فئودالها و سرمایه داران وابسته را آزاد ساختند تا هر خرابکاری که دلشان خواهد آمد انجام دهند و با لایحه نیروهای انقلابی و فدا میریالیست را سرکوب کرده و به خلع سلاح توده مردم از لحاظ نظامی - سیاسی و ایدئولوژیک مشغولند. در همه این عرصه‌ها تلاش شرایط کودتاگری امپریالیسم را تسهیل کرده اند. مردم هوشیار باشیید! آمریکا می‌خواهد کودتا کند، تنها یک خلق صلح و متحد می‌تواند در مقابل آن ایستادگی کند. تنها با مبارزه با سازشکاران و سازشکاری میتوان پوزده امپریالیسم را بجاک مالید و در انقلاب را در مقابل آنها جهام امپریالیسم حفاظت کرد.